



نوشته از ع. بصیر دهبزاد

جنایات علیه بشریت در افغانستان ، در پنبره موانع تمقیق و بررسی و تطبیق عدالت مقوقی

قسمت چهارم و اخیر

جرایم جنگی و ضد بشری ۲۰۰۱-۲۰۲۱م.

جرایم ضد بشریت ، جرایم جنگی ، تجاوز و جرایم شدید نقض حقوق بشری با سقوط حکومت ضد انسانی و دیکتاتوری، سمبول سقوط وجدان و تسلط کلتور عقب مانده و جهل و تاریکی در برابر تمدن، آزادیهای مدنی و خلاصه دوره وحشت ترور طالبان در سال ۲۰۰۲م ختم نگردید بلکه هجوم نیرو های ناتو، تحت رهبری دستگاه پنتاگون و استخبارات خارجی آن در کشور عوامل جدیدی بودند که موج تازه از این جنایات مرتبط با آن شکل گرفتند.

نخست از همه باید این موضوع را به بررسی گرفت که هجوم بیش از یکصد هزار نفری ناتو در حکم تجاوز میتواند تعریف گردد و یا در حکم یک کمک و همکاری نظامی بین المللی در برابر تروریزم بین المللی و برکشت صلح و ثبات در افغانستان؟

من با هجوم قوت های کشور ها تحت چتر سازمان ملل متحد (ایساف) و بر اساس یک قرار شورای امنیت آن سازمان جهانی حرفی ندارم ولی هجوم عساکر بیش از ۴۰ کشور ، بدون تقاضای کدام نهاد افغانی ممثل اراده ملت افغانستان را نمیتوان در حکم تجاوز تلقی نکرد. زیرا این تجاوز با خود یک حکومت دلخواه و وابسته و بیشترین عمال سیاست های آمریکا و همدستان شان در افغانستان را به وجود آورده است. این موضوع حقوقی را باید با یک بررسی وسیع حقوقی و متکی بر اسناد معتبر بین المللی

، بخصوص اساسنامه ملل متحد روشن ساخت که آیا این هجوم را بدون شک میتوان یک تجاوز تلقی نمود. من بدین عقیده ام که مفهوم تجاوز بر هجوم نظامی به افغانستان میتواند متدل و مدلل باشد. زیرا:

اولن اینکه: ناتو بدون مجوز حقوق بین المللی، حاکمیت ملی افغانستان را نقض نمود و در بیست سال اخیر بر این کشور و ملت مظلوم از طریق دستگاه وابسته سیاسی خویش مسلط بوده است. من میتوانم موجودیت بیست ساله قوت‌های ناتو را یک نوع استعمار مدرن با روپوش مبارزه با تروریسم تعریف کنم. تجاوز ادامه یافت و تروریسم قوی تر گردید و میدان جرایم شدید جنگی باز گردید. یکی از دلایل قوی که من آنرا استعمار مدرن مینامم این است که قوت‌های ایالات متحده آمریکا و تعداد دیگر از اعضای ناتو در افغانستان به شدیدترین جنایات دست یازیدند ولی بحیث حاکمان پس پرده به هیچ نهاد بین المللی اجازه بررسی جنایات شان را ندادند. علاوتن جنایان بزرگ جنگی در محاکم ملی این کشورها هیچ گاهی مورد بررسی عدلی و قضائی قرار نگرفته اند و یا مرکبین این جرایم که باید ده سال را در زندانها سپری میکردند، با مجازات خیلی ها خفیف محکوم و تا هم از محکمه های قلابی برائت گرفته اند.

چند مثال از جرایم جنگی ناتو در افغانستان:

بمباردمان هوائی بالای مراسم عروسی مردمان در هلمند و چند واقعه مشابه که دهها هموطن ما در نتیجه این بمبارمانها کشته شدند. با آنکه مسئولین نظامی مربوطه وعده بررسی جدی این واقعات را داده اند ولی در طی بیست سال گذشته نتایج این بررسیها اعلام نشده و هم قربانیان و آسیبدیده گان این جرایم از احیای توانائی فزیکتی و روانی محروم باقی مانده شده اند. اهانت بر اجساد کشته شده گان که در جریان جنگ از بین رفته اند.

قضیه ابراهیم ب. در کشور هالند که او با دادن معلوماتها از چهره های بانفوذ اوروزگان به قوت‌های نظامی هالند و تطبیق حذف فزیکتی آنان در شب هنگامها. در مورد این افراد قربانی شده اسناد و شواهد کافی وجود نداشت که آیا این افراد همکاران طالبان بودند و یا نه. این قضیه در سال ۲۰۱۳ م. در وسایل اطلاعات رسانه ئی هالند خبر ساز شد و لی پیرامون احتمال ارتکاب جنایت جنگی کدام پروسه عدلی و قضائی صورت نگرفته است.

جرایم جنگی تعداد از عساکر استرالیا که در سال ۲۰۲۰ از جانب وزارت دفاع آنکشور بدانها اعتراف رسمی صورت گرفت، تنها به یک معذرت خواهی قضیه خموش گردید.

قضیه جنایت جنگی در قریه شوره اروزگان در زمان موجودین عساکر هالندی در آن منطقه افغانستان باز هم راه عدالت جزائی را نتوانست ببیماید. در قضیه قریه شوره در نیمه شب ها چندین منزل مردمان ملکی با امر قوماندان با توپ و راکت و هاوان هدف قرار داده میشود، از یک خانواده تنها یک مرد مسن زنده میماند و چهارده عضو یک خانواده کشته میشوند. این قضیه وقتی در وسایل اطلاعات جمعی درز نمود که عسکر های تحت امر که امر را اجرا نموده بودند، اکنون از بیماری های روانی زنج میبرند. اما با قربانیان این جرایم شدید جنگی در افغانستان کدام برخورد مطابق به محتوای اساسنامه محکمه عدالت جزائی بین المللی صورت نگرفته است. دور از احتمال نیست که تعداد از نظامیان کشور های اعضای ناتو هر کدام به سهم خویش جرایم شدید جنگی را مرتکب شده و لی روی دلایل سیاسی و استخباراتی از جانب مقامات آنها مخفی نگه داشته شده اند.

در این مورد مهم و ضروری است تا در صورت آغاز عملی یک پروسه بررسی، تحقیق و تعقیب عدلی و قضائی از جانب محکمه بین المللی عدالت جزائی بر این حکومت ها فشار وارد گردد تا با این این پروسه همکاری نموده قضایای جرمی جنگی شان را با دادگاه شریک سازند.

دوم اینکه: ایالات متحده آمریکا در تمام پروسه های سیاسی که هیچگاهی زمینه سازی صلح، ثبات و وحدت ملی و اجماع واقعی ملی نگردید، نقش و نفوذ شکننده پروسه های ملی را اشته است و تعیین کننده تمام پروسه ها بوده است.

علاوه بر صد ها فاکت حقوقی یکی هم پروسه ناکام و و زمینه ساز قوتمندی طالبان در توافقات به اصطلاح توافقنامه دوحه است که حکومت ایالات متحده آمریکا به مانند توافقات دوره الاستعمار سالهای ۶۰ تا هفتاد تنها به یک نیروی جنگی توافق نمود و نقش ملت و دولت بحیث نهاد ممثل حاکمیت و خود اراده گی ملی را عملن زیر پا نمود. شدت جنگ های کنونی، کشتار مردم ملکی و حملا به شهر ها همه مجوزات گنگ و زیر پرده ابهام در متن توافقنامه ناکام دوحه و ممثل این توطئه آقای خلیل زاد تلقی میگردد یعنی خلیل ها خلل رای عمدی را در افغانستان بحرانی زائید.

جرایم ضد انسانی و جرایم جنگی طالبان

جرایم ضد انسانی و جرایم جنگی طالبان - داعش - القاعده در بیست سال اخیر نیز وحشناک و در داخل وجدان انسانی نمیگنجد.

طالبان که بیشترین مرتکبین جرایم جنگی و ضد انسان و انسانیت در کشتن اهالی ملکی، اسیران جنگی و قتل های گروهی متکی بر نفرت های قومی و مذهبی در افغانستان اند، نباید با تطبیق سیاست

ها و هدف های سیاه و آلوده پس پرده از آن چشم پوشید و تحت نام پروسه های که گنده ، شیطانی و ناکام از آب برون آمده اند، بالای همه اش خط بطلان کشیده شود.

طالبان در بیست سال اخیر به جنایات دست زده اند که لست طویل و صفحات سیاه و شرماگین از تاریخ بیست ساله افغانستان تلقی میگردند به مانند:

کشتار سربازان اسیر و زخمی های جنگ تا سرحد سر بریدن. بر علاوه صد های سند ویدیوئی و فوتو ها از این جرایم، آخرین آن به مرمی بستن ۲۲ تن از کوماندو های کشور که بدون جنگ در ولایت فاریاب تسلیم طالبان شده بودند ، تازه ترین سند بدون شک و شبهه میباشد.

فوتبال بازی طالبان آدمکش در صحن یک حویلی با کله های از تن جدا شده اسیران جنگی که شیوه کشتار و بازی های فاشیست های آلمانی در جریان جنگ دوم جهانی را در خاطره ها تداعی میکند.

انفجار بم های بزرگ و با تلفات بزرگ در محلات مزدحم شهر ها که صرف بخاطر تحت فشار دادن دولت، باعث قتل دهها و بعضی صد ها تن مردمان بی دفاع ملکی در یک انفجار شده اند.

انفجارات هدفمند در میان گروه های مدنی که برای خواست های مدنی به مارش ها و میتنگ های مسالمت آمیز مشغول بوده اند.

موجودیت صد های جوان پاینتر از ۱۸ سال که از مدارس دینی و بعد از شست و شو مغزی و سو استفاده از اعتقادات دینی خانواده ها ، آنها را در جنگ های میگمارند . استفاده اطفال به هدف استفاده جنگی از دیدگاه کنوانسیون های بین المللی ممنوع اند. علاوه تن تعداد از این نو جوانان توسط قوماندانان با نفوذ طالبان مورد سو استفاده جنسی نیز قرار میگیرند .

کشتن گروهی مردان ، زنان و اطفال بر بنیاد تعلیقیت های مذهبی و قومی از طریق راه گیری راه های مواصلاتی ، حمله بر مکاتب، تکایا و محلات تجمع مذهبی . طالبان در طول بیست سال اخیر چندین بار فقیر ترین مردمان تحت نام شیعه و یا هزاره را از بس های لینی پائین نموده گروهی به قتل رسانیده اند و سر بریده اند.

طالبان اخیرن با تسلط بر بعضی مناطق سمت شمال تطبیق جهاد النکاح را روی دست گرفته ، دختران جوان را با زور و تهدید مجبور به تن دادن به عقد نکاح میسازند. این نکاح که خود تحت جبر صورت میگیرد، در واقعیت حرام و ناجایز و غیر اسلامی است و بحیث جرم ضد حق انسان و انسانیت ارتکاب میابند.

طالبان عامل سنگسار های ضد انسانی دختر های جوان اند که به جرم دوست داشتن یک پسر در محضر عام ظالمانه و با بی وجدانی و حیوان صفتی سنگسار گردیده اند.

طالبان در بیست سال گذشته جنایان بزرگ ضد انسانی را در قتل‌های هدفمند کارمندان عرصه حق و عدالت، ژورنالستان و کارمندان عادی رسانه‌ها خود را گنهگار ساخته‌اند.

طالبان با یورش‌های مسلحانه بر مکاتب، دانشگاه‌ها و سائر نهاد‌های تعلیمی در قتل‌صدها جوان دانش‌آموز گنهگار‌اند.

قابل‌تذکر است که طالبان در انجام شدیدترین جنایات بزرگ و خونین‌ترین همکاری، حمایت و بدست‌آوردن خطرناکترین مواد برای ساختن بم‌های تخریبی و کشنده را از استخبارات پاکستان بدست‌آورده‌اند. این بدین مفهوم است که دولت پاکستان و استخبارات آن کشور باید در یک بررسی جنایات جنگی در افغانستان بحیث‌شریک این جرایم ضد انسان و انسانیت محاسبه‌گردند.

قضیه بررسی جنایات جنگی، جنایات ضد انسانیت و جرایم شدید نقض حقوق بشری در افغانستان زمانی عدالت‌مندانه مورد بررسی قرار گرفته می‌تواند که:

۱- دولتهای ایالات متحده آمریکا و دول دیگر ناتو از مصئونیت تعقیب عدلی توسط محکمه عدالت بین‌المللی خارج‌گردند و دور‌مورد باید موضوع به بحث شورای امنیت ملل متحد کشانیده شود.

۲- در بررسی جنایات جنگی و ضد بشری هیچ‌گونه استثنا و تفاوت، تحت نام مصلحت‌های نامشروع و الوده با دیدگاه‌های سیاسی و استخباراتی در نظر گرفته نشود.

مثل: در یک قضیه عین درجه شدت جرمی جنگی و ضد بشری یکی با دید سیاسی و سیاست‌های نا بخردانه، الوده با پلان‌های پس‌پرده و تبعیض‌گرانه بین‌المللی محکوم به حبس ابد گردد و دیگری در یک دادگاه کشور عضو ناتو با حبس تعلیقی و یا جزای دیگر خفیفه محکوم و بالاخره برائت داده شود.

۳- بررسی جرایم شدید جنگی و ضد بشری نباید جرایم بیش از چهل سال گذشته دردناک افغانستان با ابعاد وسیع و نقش همه کشور‌های ذیدخل در این جنایات را زیر عنوان مصلحت و یا تحت شرایط زمان گذشته خارج از بررسی تلقی نمود.

۴- حکومت افغانستان باید صادقانه، مستقلانه و خارج از هر گونه نفوذ و فشار بیگانگان پروسه بررسی، تحقیق و جمع‌آوری اسناد الزام را کمک‌نموده مسیئولیت حقوقی و بین‌المللی خود را ادا نماید.

۵- محکمه عدالت جزائی نباید برای جمع‌آوری اسناد الزام اتکا بر چند حزب، حلقه و تنظیم و افراد معین و از قبل تعیین شده اتکا نماید. زیر افغانستان در چهل سال اخیر به نسبت ادامه جنگ‌ها و خشونت‌های فکری، مذهبی و قومی، در عمق نفرت‌ها، عقده‌مندیهای تلافی‌جویانه شان قرار دارند. اتکا بر

حلقات محدود، بدون شک، میتواند یک پروسه عدالت مندانه و امیدوارکننده را به بخشی از شراکت در جرم نقض حقوق بشری خواهد کشانید و کشور نباید درگیر «کی ملامت و کی سلامت» قرار گیرد.

۶- حکومت و استخبارات نظامی پاکستان یک بخش بزرگ از حمایت و سازماندهی ارتگاب جنایات جنگی است. هر گونه پروسه بررسی، تحقیق و عدالت جزائی بدون شریک ساختن این دو دستگاه جهنمی در یک پروسه عدالت مندانه بین المللی با عث یگ تحقیق نامکمل و تبعیضی خواهد گردید.

نویسنده که خود بحیث تاریخ زنده حوادث در چهل سال اخیر و بدون شک مانند میلیون های انسان هموطن ما یکی از قربانیان جرایم شدید نقض حقوق بشر است، متوقع است که محکمه عدالت جزائی بین المللی بدون فوت وقت این پروسه عدالت مندانه را در عمل پیاده و اولین قدم های پیگیر، مصمم و عدالت مندانه را بگذارد.

فتم